

دولت شکننده در عراق و امنیت زنان

الهه کولائی^۱

استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

زیبا اکبری

دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۴ - تاریخ تصویب: ۹۵/۷/۱۹)

چکیده

پس از جنگ سرد و حمله‌های تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، اصطلاح «دولت‌های شکننده» اهمیت فزاینده‌ای در مباحث امنیتی پیدا کرد و توجه جامعه بین‌الملل به چگونگی رویارویی با چنین دولت‌هایی معطوف شد. این نگرانی از چندین عامل ناشی می‌شود: تأکید بر ساختن صلح و امنیت، گسترش این برداشت که توسعه و امنیت ارتباط متقابل دارند و این اصل که ثبات دولت تأثیر زیادی در توسعه دارد. مفهوم دولت شکننده به دولت‌های ضعیفی اشاره دارد که در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی آسیب‌پذیرند و حکومت‌های آنها از مدیریت امور داخلی و سیاست خارجی ناتوان‌اند. بر این اساس، عراق پس از سال ۲۰۰۳ در گروه دولت‌های شکننده قرار گرفته و در طول این سال‌ها همواره در سطح نامطلوبی از ثبات ارزیابی شده است. این نوشتار با استفاده از شاخص‌های شکنندگی دولت و امنیت انسانی در پی بررسی تأثیر دولت شکننده عراق در بروز تهدیدهای امنیتی نسبت به زنان این کشور است. نقض امنیت انسانی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ بر اثر شکست در روند ملت-دولت‌سازی و ضعف حکومت عراق در حفظ نظم و یکپارچگی اجتماعی به وجود آمده است. بر این اساس، پرسش اصلی این است که چگونه امنیت زنان در اثر بحران و شکنندگی دولت عراق با تهدید روبه‌رو شده است.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت انسانی، دولت شکننده، زنان، عراق.

مقدمه

با سقوط صدام حسین و تغییر حکومت در عراق، فرایند چانه‌زنی برای شکل دادن به عراق جدید، مهم‌ترین موضوع پس از سال ۲۰۰۳ بوده است. این فرایند با گذشت بیش از یک دهه درگیری‌های داخلی و خارجی، عراق را به‌سوی برده است که اینک در فهرست دولت‌های شکننده قرار دارد. بی‌ثباتی سیاسی، برآورده نشدن مطالبات جریان‌ها و جناح‌های گوناگون، ناتوانی حکومت جدید در شکل دادن به نهادهای مردم‌سالار، ناتوانی در ارائه خدمات عمومی و ناتوانی در محافظت از مردم در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، از جمله ویژگی‌های دولت شکننده عراق به‌شمار می‌آیند. استدلال این پژوهش این است که شکنندگی دولت در عراق سبب دخالت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شکل‌گیری جریان‌های تندرو مذهبی، تشدید منازعه‌های قومی- مذهبی، اقدام‌های تروریستی و بحران‌های زیست‌محیطی شده است که همگی به شکل‌های مختلف امنیت انسانی را در این کشور تهدید کرده است. در این چارچوب امنیت زنان به‌عنوان آشکارترین بُعد امنیت در حوزه زیست‌شهروندان به‌گونه‌ای برآیند و پیامد برنامه‌ریزی‌های سطوح کلان حاکمیت در امور جاری زندگی است. خشونت‌های جنسیتی، آوارگی، تجاوز، بردگی و فقر از جمله نشانگان آشکار نقض امنیت زنان در عراق و ناکارآمدی دولت برای تأمین امنیت آنان به‌شمار می‌رود. آنچه سبب تشدید ناامنی زنان شده است، بحران‌هایی چون شکل‌گیری دولت اسلامی موسوم به داعش و درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای است. ضعف دولت مرکزی در توانایی اعمال قدرت بر بخش‌های مختلف و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، موجب تشدید ناامنی شده است. هدف این نوشتار، بررسی تأثیر این شکنندگی و پیامدهای منفی آن بر زندگی زنان در عراق است. روش این بررسی توصیفی-تحلیلی است.

چارچوب نظری

برای تبیین نظری علل و تأثیر شکنندگی دولت عراق و تأثیر آن بر امنیت زنان می‌توان از نظریه دولت‌های شکننده، نظریه امنیت انسانی و نظریه فمینیستی امنیت بهره برد. این نظریه‌ها علل و شاخص‌های شکنندگی و امنیت را توضیح می‌دهند، به‌گونه‌ای که می‌توان تا حدودی در چارچوب نظری آنها، علت و تأثیر شکنندگی دولت بر امنیت زنان در عراق را تبیین کرد. مبحث دولت‌های شکننده به‌شکل دقیق بعد از جنگ سرد مطرح شد و به آن دسته از تهدیدهای جدید امنیتی اشاره داشت که بیشتر در نتیجه منازعه‌ها، فروپاشی‌های اقتصادی و سیاست‌های شکست‌خورده دولت‌ها در لایه‌های اجتماعی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به‌وجود آمده بودند (Nuruzzaman, 2008:2). تعریف بین‌المللی مشخصی از دولت شکننده

وجود ندارد. سازمان‌های بین‌المللی آن را ضعف بنیادی یک دولت برای اقدام‌های ضروری در زمینه نیازهای اساسی شهروندان و انتظارات آنان می‌دانند. دولت‌های شکننده به‌طور معمول قادر به تأمین امنیت، حفاظت از کارکرد قانون و عدالت یا فراهم کردن خدمات اساسی و فرصت‌های شغلی برای شهروندانشان نیستند. بر این اساس، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ مفهوم دولت شکننده را این‌گونه تعریف می‌کند: «ناتوانی در برآوردن انتظارات شهروندان و مدیریت تغییرها در مطالبات آنها و توانایی به انجام رساندن فرایندهای سیاسی» (OECD, 2008). سازمان توسعه بین‌المللی^۲ نیز دولت‌های شکننده را این‌گونه تعریف می‌کند: «آن دسته از دولت‌هایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند اقدام‌های اساسی را برای بیشتر شهروندانشان از جمله فقرا فراهم کنند» (DFID, 2005).

همان‌گونه‌که تجربه دولت‌های شکننده نشان می‌دهد، دولت در همان حال که مهم‌ترین سازوکار تأمین امنیت است، در مواردی مهم‌ترین منبع تهدید امنیت انسانی نیز به‌شمار می‌آید و در برخی از جوامع نیز محل منازعه و موضوع رقابت و قدرت و در نهایت ناامنی است (بزدان فام، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۷). دولت‌های شکننده نه‌تنها در مورد امنیت انسانی حساس نیستند و به آن توجهی نمی‌کنند، بلکه از ایجاد نهادها و ترتیبات لازم برای برقراری امنیت در قلمرو سرزمینی خود ناتوان‌اند. آنها از انجام وظیفه خود ناتوان‌اند و نمی‌توانند از بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌های خشونت‌آمیز جلوگیری و در جهت ایجاد بسترهای لازم برای توسعه مناسب کشور اقدام کنند. حمله به غیرنظامیان در مناطقی که دولت با بحران اعمال حاکمیت روبه‌روست، بیشتر از مناطق دیگر است (Kreutz, 2005: 178). بررسی وضعیت امنیت انسانی در انواع دولت شکننده گویای تأثیر این دولت‌ها به شیوه‌های گوناگون بر امنیت انسانی است. برای امنیت انسانی شاخص‌های متعددی وجود دارد. چهار معیار کلان که برای امنیت انسانی طرح شده عبارت است از: رهایی از نیاز، رهایی از ترس، رهایی از مخاطرات و برخورداری از آزادی. هر یک از معیارها را می‌توان با توجه به شاخص‌های زیر ارزیابی کرد:

میزان توسعه اقتصادی، میزان کاهش فقر در جامعه، میزان تحصیلات، میزان مرگ‌ومیر یا امید به زندگی، میزان خشونت سیاسی، شمار زندانی‌های سیاسی، میزان آزادی‌های مطبوعاتی و میزان مخاطرات و بلایای طبیعی (Brauch, 2005: 80). با وجود این، برای بررسی امنیت زنان در این دولت‌ها نمی‌توان تنها به شاخص‌های امنیت انسانی اتکا کرد. یکی از نظریه‌های انتقادی در حوزه امنیت، نظریه فمینیستی امنیت است که معتقد است در مباحث امنیت انسانی، خشونت‌های جنسیت‌محور چندان لحاظ نشده است. شاخص‌های امنیت انسانی به خشونت

1. The Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

2. Department for International Development (DFID)

علیه زنان، نابرابری جنسیتی در تخصیص منابع، نابرابری جنسیتی در تصمیم‌گیری‌ها و منابع قدرت، حقوق انسانی زنان و خطرهای بالقوه‌ای که زنان را بیشتر از مردان تحت تأثیر قرار می‌دهد، توجه اندکی دارد. طرفداران نظریه فمینیستی امنیت معتقدند که به‌طور کلی امنیت زنان جایگاه مهمی در نظریه‌های امنیت ندارد؛ درحالی‌که بیشترین تأثیر منفی شکنندگی یک دولت بر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه همچون زنان و کودکان است. این گروه‌ها بیشترین تأثیر را از نظر افزایش خطر خشونت، استثمار، سوءاستفاده، تحقیر، از دست دادن درآمد، تهدید امنیت شخصی، فقر و سوءتغذیه تجربه می‌کنند.

در دولت‌های شکننده، زنان نسبت به مردان به‌دلیل سلسله‌مراتب جنسیتی و نابرابری‌های شدید به شیوه متفاوتی نامنی انسانی را تجربه می‌کنند. آنها به‌دلیل حقوق قانونی کمتر، توانایی کمتری برای تأمین و عمل براساس نیازهای امنیتی خود دارند. با توجه به گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد در هیچ جامعه‌ای امنیت و رفتار با زنان همانند مردان نیست. ناامنی فردی، از کودکی تا مرگ زنان را تعقیب می‌کند و به‌دلیل جنسیتشان همواره از آنان سوءاستفاده می‌شود. زنان در ابعاد مختلف امنیت همچون امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامت، امنیت سیاسی و امنیت فردی به‌دلیل تفاوت‌های فیزیکی، احساسی، جسمی و نیز نابرابری‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌شکل ویژه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

جدول ۱. تهدیدهای پیش روی امنیت زنان در دولت‌های شکننده

خشونت ساختاری (غیرمستقیم)	خشونت مستقیم	
به مخاطره افتادن سلامت زنان به‌دلیل نبود منابع روزمره، تأثیر آسیب‌های محیطی بر کیفیت زندگی و طول عمر، ازدواج اجباری، مشکلات ازدواج بعد از جنگ به‌دلیل بدنامی و شرم، شوک عاطفی و روانی ناشی از فشارها و تنش‌های بارداری و زایمان، نبود فرصت‌های اقتصادی، رواج روسپی‌گری برای بقا و فراهم کردن غذای کودکان.	اعمال خشونت از طرف اعضای خانواده یا شریک زندگی همچون تجاوز به‌عنف، آسیب‌های جسمی، آزار احساسی و فحاشی، قتل‌های ناموسی، مواجهه با بیماری‌های مسری جنسی مانند ایدز در طول منازعه‌های نظامی یا بعد از آن، شکنجه و آزار مداوم و آسیب‌های روانی و فیزیکی...	خشونت‌های غیرسازمان‌یافته فردی در سطح خرد
محروم‌سازی و در حاشیه قرار دادن زنان در گفت‌وگوهای صلح و توافقی‌های بعد از جنگ، نداشتن	خشونت از سوی گروه‌های نظامی یا دیگر گروه‌های سازمان‌یافته مانند قتل، صدمات	خشونت‌های سازمان‌یافته اجتماعی در سطوح کلان

قدرت تصمیم‌گیری در سیستم اقتصادی و سیاسی، ناتوانی و نبود قدرت مشارکت در انتخابات و عرصه عمومی، نبود عدالت جنسیتی، نبود دسترسی به آموزش‌های مهارتی، تحصیلی، مراقبت‌های اولیه بهداشتی و خدمات سلامت ...	جسمی، آدم‌ربایی، تجاوز سازمان‌یافته و پی‌درپی با خطر بالای بیماری‌های مسری جنسی، سقط جنین اجباری، شکنجه‌های جنسی، آدم‌ربایی توسط نیروهای در حال جنگ، بردگی جنسی، ضربه‌های روانی و فیزیکی، خرید و فروش جنسی و...	
---	---	--

Source: (Mckay, 2004: 160-161), at: <http://www.gmu.edu/programs/icar/hsp/McKay.htm>. (Accessed on: Aug. 27, 2015)

تحولات سیاسی عراق پس از ۲۰۰۳ و شکل‌گیری عراق جدید

پس از حمله‌های یازدهم سپتامبر به آمریکا، دولت بوش جنگ علیه تروریسم را اعلام کرد و در نوزدهم مارس ۲۰۰۳، به همراه انگلیس عملیات آزادی عراق را آغاز کرد. در مدت سه هفته رژیم صدام حسین فروپاشید، ارتش عراق تسلیم شد و بغداد به تصرف نیروهای آمریکایی در آمد (Hunt, 2005: 105-106). سپس حکومت ائتلاف موقت عراق^۱ برای اداره این کشور تشکیل شد و آمریکا پل برمر را به‌عنوان رهبر این ائتلاف انتخاب کرد. تأسیس ائتلاف حکومت موقت برای اجرایی کردن سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه انجام گرفت که توسط ۲۵ عضو شورای حکومتی پوشش داده می‌شد. این شورا بازتاب ترکیبی از جمعیت‌های نژادی و فرقه‌ای در عراق بود. برای نخستین بار در تاریخ عراق شیعیان در بدنه حکومتی این کشور از اکثریت برخوردار شدند، کردها و عرب‌های سنی می‌توانستند هر کدام به‌صورت برابر ۲۰ درصد کرسی‌ها را داشته باشند و اقلیت‌هایی مانند ترکمن‌ها و جامعه مسیحیت نماینده داشتند (Fattah and Caso, 2009: 250).

اقدام‌های اساسی برمر در عراق را می‌توان نقطه آغازین دولت‌سازی در این کشور دانست. انحلال نهادهای امنیتی، وزارت دفاع، ارتش، دادگاه‌های امنیتی، حزب بعث و برکناری مقام‌های رده‌های مختلف حزبی از آن جمله بود (آیتی، ۱۳۸۹: ۷۰). برابر با اصل اول قانون اساسی عراق، نظام حکومتی این کشور جمهوری، فدرالی، دموکراتیک و تک‌گراست و قدرت میان حکومت فدرال و دولت‌های منطقه‌ای (مرکزی - شمالی - جنوبی) تقسیم شده است (جعفری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۳۰). در دسامبر ۲۰۰۵ برای تشکیل اولین مجلس دائمی عراق انتخابات برگزار شد و بدین ترتیب اولین مجلس منتخب مردم عراق شکل گرفت.

1. The Coalition Provisional Authority (CPA)

شکندگی دولت در عراق جدید و بحران‌های تسریع‌کننده آن

تاریخ عراق نمونه‌ای از یک «دولت شکست‌خورده» است. ساخت این کشور به‌ظاهر توجیهی جغرافیایی داشته اما ملاحظات قومی و ملی را نادیده گرفته است (الیس، ۱۳۸۶: ۲۰۲). اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به فروپاشی اجتماعی و سیاسی بی‌سابقه‌ای منجر شد؛ به‌طوری‌که جایگاه این کشور را در جمله کشورهای شکنده قرار داد. تهاجم آمریکا دیکتاتوری صدام را در هم شکست، اما در استقرار ثبات و دولت کارآمد و مقتدر شکست خورد و سال‌ها درگیری داخلی و تلفات انسانی را در پی داشت (Cordesman, 2014:4). خلأ قدرت سیاسی ناشی از سقوط رژیم صدام، هرج‌ومرج و خشونت‌های برساخته از مطالبات سیاسی مردم، زیان و خسارتی که در پی بیش از یک دهه تحریم بر زیرساخت‌های خدمات اساسی و اقتصاد این کشور وارد آمده بود، اشتباه‌های حکومت موقت، آمادگی کم نیروهای ائتلاف در اداره عراق و نیز حساس نبودن آنها به برخی از مسائل فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز شروع بحران‌های امنیتی شد (داویشا، ۱۳۸۶: ۲۸۰-۲۷۹). در نتیجه این بحران‌ها، دولت عراق در تأمین نیازهای اساسی مردم و حفظ امنیت انسانی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی و تثبیت زیرساخت‌های فیزیکی و ارائه خدمات عمومی ضروری با مشکل روبه‌رو شد.

در این نوشتار به‌منظور بررسی وضعیت شکندگی در عراق از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^۱ استفاده می‌شود که براساس سه شاخص اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دوازده شاخص زیرمجموعه فشارهای جمعیتی، آوارگان، خشونت گروه‌های انتقام‌جو، مهاجرت و فرار مغزها، توسعه نامتوازن، افول اقتصادی، مشروعیت دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر، نیروهای نظامی خودگردان، جناح‌بندی نخبگان و مداخله خارجی بررسی می‌شود. براساس گزارش‌های بنیاد صلح و رتبه‌بندی‌های سالانه بانک جهانی از وضعیت کشورها، دولت عراق در وضعیت مناسبی نیست. با توجه به جدول ۱۰ این دولت به‌ترتیب در سال ۲۰۰۷ رتبه ۲، در سال ۲۰۱۰ رتبه ۷، در سال ۲۰۱۲ رتبه ۹ و در سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۱ را در میان دولت‌های شکنده جهان داشته (FFP, 2015) و دچار بی‌ثباتی و ضعف‌های پایدار و جدی است. در ادامه به بررسی وضعیت سه شاخص اصلی شکندگی در عراق می‌پردازیم:

۱. شاخص‌های اقتصادی

توسعه اقتصادی نامتوازن و فقر و افول اقتصادی دو معیار سنجش شاخص اقتصادی دولت‌های شکنده‌اند که از جمله مصادیق آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نسبت درآمد طبقات بالا و پایین جامعه، پراکندگی خدمات روستایی در برابر خدمات شهری، شمار جمعیت حاشیه‌نشین،

کسری اقتصاد، بدهی حکومت، بیکاری، برآمدگی جوانان، قدرت خرید، تورم، سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی (FFP, 2015). چالش اصلی دولت عراق در حوزه اقتصادی، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی این کشور در نتیجه جنگ، ناامنی ناشی از منازعات داخلی و استمرار خشونت پس از جنگ است. ضعف قوانین و مقررات بازرگانی و ناامنی داخلی، تمایل همسایگان این کشور را برای توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری در عراق کاهش داده است (Blanchard, 2008: 3). وابستگی زیاد به منابع نفتی یکی از مشکلات اقتصادی عراق است. در زمینه فساد نیز این کشور جایگاه بسیار بدی در میان کشورهای جهان دارد. براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، عراق در سال ۲۰۱۳ از نظر شاخص فساد اداری و مالی، میزان اختلاس، کلاهبرداری، پول‌شویی، قاچاق نفت و رشوه‌خواری در رتبه ۱۷۱ قرار داشت (Transparency International, 2013). در واقع با وجود افزایش درآمدهای نفتی عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ هنوز به دلیل ضعف‌های مدیریتی و فساد گسترده، مشکلات فراوانی در خصوص بازسازی زیرساخت‌ها وجود دارد. میزان سهولت شروع کسب‌وکار یکی از شاخص‌های مهم در بررسی سطح ثبات و امنیت هر کشور محسوب می‌شود. بانک جهانی، عراق را از نظر شاخص کسب‌وکار و وضعیت اشتغال در سال ۲۰۱۴ در رتبه ۱۴۶ و در سال ۲۰۱۵ در رتبه ۱۵۶ در میان ۱۸۵ کشور جهان قرار داده است (World Bank, 2015).

جدول ۲. مقایسه کشورهای حوزه خلیج فارس از نظر سرانه سالیانه از درآمد نفت و سرانه تولید

ناخالص داخلی

کشورهای خلیج فارس	سرانه سالیانه از درآمد نفت	سرانه تولید ناخالص داخلی
کویت	۲۵,۳۶۲ دلار	۷۱,۰۰۰ دلار
قطر	۳۶,۰۱۲ دلار	۱۴۳,۴۰۰ دلار
امارات متحده عربی	۹,۴۳۵ دلار	۶۴,۵۰۰ دلار
عراق	۲,۶۸۲ دلار	۱۴,۴۰۰ دلار
عربستان سعودی	۷,۹۰۰	۵۲,۵۰۰

Source: <http://www.ciaonet.org/attachments/27936/uploads?1440373721>. (accessed on: 21.5.15)

براساس گزارش شاخص جهانی رفاه لگاتوم^۱ در سال ۲۰۱۴ در رتبه‌بندی ۱۴۲ کشور جهان در شاخص رفاه، عراق با رتبه ۱۲۸ در گروه ۳۰ کشور رده پایین (رتبه‌های ۱۱۳ تا ۱۴۲) قرار دارد. عراق در سال ۲۰۱۲ در رتبه ۱۳۱ و در سال ۲۰۱۳ در رتبه ۱۳۰ شاخص جهانی رفاه قرار داشت. این کشور در گزارش سال ۲۰۱۴ در شاخص اقتصاد رتبه ۱۰۹، در شاخص کارآفرینی و فرصت رتبه ۱۲۵، در شاخص شیوه اداره جامعه رتبه ۱۳۳، در شاخص آموزش رتبه ۱۱۰، در شاخص بهداشت رتبه ۱۱۶، در شاخص امنیت رتبه ۱۳۴، در شاخص آزادی‌های شخصی رتبه ۱۴۰ و در شاخص سرمایه اجتماعی رتبه ۹۱ را به دست آورد (Legatum Institute, 2014).

۲. شاخص‌های اجتماعی

فشارهای جمعیتی، آوارگان و بی‌خانمانی شدید، خشونت گروه‌های انتقام‌جو، مهاجرت انسانی و فرار مغزها از جمله شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی در دولت‌های شکننده محسوب می‌شوند (FFP, 2015). عراق با قرار داشتن در گروه دولت‌های شکننده از نظر شاخص‌های اجتماعی در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارد و بعد از سال ۲۰۰۳ به دلیل درگیر بودن در منازعات و تنش‌های قومی و فرقه‌ای در زمینه بهبود شرایط زندگی شهروندانش پیشرفت چندانی نداشته است. رتبه این کشور در سال ۲۰۱۳ از نظر شاخص توسعه انسانی ملل متحد ۱۳۱ بوده است (Human Development Report, 2013). ناکارآمدی دولت در فراهم کردن خدمات متناسب با رشد جمعیت، به سرخوردگی تعداد زیادی از زنان و مردان جوان در یافتن شغل، مسکن و ازدواج منجر می‌شود (Cordesman, 2015: 8). همچنین عملکرد و توانایی دولت عراق در سال‌های گذشته در اعمال اقتدار، عرضه خدمات عمومی به شهروندان، کاهش فشارها و کاستن از خطر بلایای طبیعی و حوادث اجتماعی ضعیف بوده است. بی‌خانمان شدن جمعیت، فشار بر خدمات عمومی، آوارگان، سرانه پناهندگان و بیماری‌های ناشی از بی‌خانمانی و آوارگی از جمله شاخص‌های اجتماعی در دولت شکننده عراق‌اند که به تهدیدهای امنیتی جدی در این کشور منجر شده‌اند.

۳. شاخص‌های سیاسی و امنیتی

رهبران سیاسی و نظامی عراق با چالش‌های امنیتی بزرگ، شکاف‌های عمیق جناحی و

۱. مؤسسه پژوهشی لگاتوم (Legatum) از سال ۲۰۰۹ تاکنون برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها بر اساس عوامل گوناگونی مانند ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی به رتبه‌بندی ۱۴۲ کشور جهان می‌پردازد. این مؤسسه، کشورها را در هشت شاخص اصلی اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکومت، آموزش، بهداشت، امنیت و آسایش، آزادی‌های شخصی و سرمایه اجتماعی بررسی می‌کند.

زنجیره‌ای از مشکلات مرتبط به هم روبه‌رو هستند. دولت عراق در تلاش برای ساختن یک دولت ملی سیاسی و متحد کردن شیعه و سنی و عرب و کرد شکست خورده است؛ به طوری که در این سال‌ها سنی‌ها احساس بیگانگی بیشتری می‌کنند و کردها به جداسازی راه خود بیشتر ترغیب شده‌اند (Cordesman, 2014:1). وجود سه گروه متفاوت اجتماعی در عراق با زبان‌های گوناگون، قومیت‌های متفاوت و تنوع امکانات اقتصادی، موجب پدیداری نوعی فرهنگ سیاسی پیشامدرن شده است که وفاداری‌های آن به سطوح قومی، محلی، خانوادگی و قبیله‌ای محدود است و اعتماد بین قومی و بین گروهی در نازل‌ترین سطوح خود قرار دارد. در این چارچوب، کشور به منزله مجموعه‌ای از عشایر و اقوام است که با یکدیگر برای کسب قدرت، امنیت و ثروت، رقابت و ستیزه می‌کنند و در عین حال، دولت مرکزی را به عنوان مرجعی عادل و قانونی به رسمیت نمی‌شناسند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۷۲). این ویژگی سبب می‌شود اطلاق مفهوم ملت - دولت به عراق، معنا نداشته باشد و هر گونه تعادل قومیتی در عرصه سیاسی عراق، موقتی و شکننده باشد (پورسعید، ۱۳۹۰: ۲۱۲). بر این اساس از جمله شاخص‌های سیاسی و امنیتی در دولت شکننده عراق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میزان مشروعیت دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون، وجود ارتش‌های چریکی و نیروهای مسلح خودگردان و مداخله خارجی.

ویژگی اصلی شکنندگی را مشروعیت ضعیف دولت می‌دانند. دولت‌هایی که در برآوردن نیازهای اساسی و ایجاد تعادل میان انتظارات اجتماعی و ظرفیت دولت شکست می‌خورند و به طور معمول در ایجاد روابط دوسویه میان دولت و جامعه و ساختن قرارداد اجتماعی منسجم ضعیف عمل می‌کنند. این کشور در شاخص مسئولیت‌پذیری رتبه ۱۷۸، در ثبات سیاسی و خشونت رتبه ۲۰۱، در کارایی دولت رتبه ۱۸۲، در کیفیت حاکمیت قانون رتبه ۲۰۵، در کیفیت مقررات حکومتی رتبه ۱۸۹ و در زمینه کنترل فساد رتبه ۱۹۳ را داشته است (World Bank, 2013). وضعیت حقوق بشر از جمله مصادیق مهم موفقیت یا شکست هر دولت در تأمین امنیت شهروندان محسوب می‌شود. تا زمانی که حقوق بشر نقض شود یا به شکلی نابرابر در نظر آید، دولت در مسئولیت‌پذیری - به عنوان یک هدف نهایی - شکست خورده است (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۲۵۷). داده‌های بانک جهانی و بنیاد صلح در سال ۲۰۱۰ عراق را با نمره شکنندگی ۱۰۷/۳ از ۱۲۰ در میان ۱۴ کشور بسیار شکننده قرار داده است که براساس آن رتبه عراق در شکنندگی ۷ و در حقوق بشر ۱۲ بوده است. در این سال‌ها شاهد نقض گسترده حقوق بشر از جمله ناپدید شدن، بازداشت خودسرانه، کشتارهای انتقام‌جویانه، نبود محاکمه و دادرسی عادلانه، پاسخگو نبودن دولت و ضعف در ارائه خدمات عمومی بوده‌ایم (HRC, 2015). در جدول زیر شمار تلفات غیرنظامی در عراق از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ آمده است.

براساس برآورد سازمان آی.بی.سی، مجموع تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها و تلفات انسانی در عراق، در اثر حملات مسلحانه و بمب‌گذاری از سال ۲۰۰۳ تا پایان سال ۲۰۱۳ حدود ۱۸۴،۵۱۲ نفر بوده است که از این میزان ۱۷۹،۲۴۰ نفر عراقی (نظامی و غیرنظامی)، ۴،۸۰۴ نفر از نیروهای نظامی بین‌المللی و ۴۶۸ نفر از پیمانکاران بین‌المللی بوده‌اند (www.iraqbodycount.org, 2014). همچنین در سال ۲۰۱۴ عراق از نظر شاخص جهانی حقوق بشر همچون نبود آزادی بیان، منازعات قومی و فرقه‌ای و نبود حمایت از کارگران در میان کشورهای با ریسک بالای نقض حقوق بشر رتبه ۷ را داشت (reliefweb.int, 2014).

از جمله موارد مهمی که باید در شاخص‌های سیاسی و امنیتی عراق به آن اشاره کرد، وجود ارتش‌های چریکی و نیروهای مسلح خودگردان است. فرقه‌ای شدن ارتش و نیروهای امنیتی عراق به افزایش تهدیدهای نظامی کشورهای همسایه و تشدید اختلاف‌های سیاسی و فساد میان احزاب سیاسی منجر شده است و بنیادهای ساختاری دولت عراق را به مخاطره انداخته است (Ahram, 2015: 21). در این میان القاعده و ظهور دولت اسلامی عراق و شام^۱ (داعش) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تأثیرگذار در بحران‌های امنیتی عراق بعد از سال ۲۰۰۳ در نامنی و بی‌ثباتی عراق و تشدید شکنندگی دولت تأثیر مهمی داشته است. در واقع شرایط بی‌ثبات و خشن عراق، نبود فرایندهای مشارکتی فراگیر و نبود حفاظت از حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی در میانه آشوب‌های منطقه‌ای، راه را برای داعش و دیگر گروه‌های تندرو برای بهره‌برداری از سرخوردگی قبایل محلی سنی و سرکوب‌های خشونت‌آمیز هموار کرد (HRC, 2015). این جنبش ترکیبی از اعراب سنی ناراضی، بقایای حکومت پیشین به‌ویژه افسران بعثی، برخی قبایل عراق، گروه‌های تندرو و القاعده عراق بود (پورسعید، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

نیروهای تحت رهبری دولت اسلامی عراق و شام در سال ۲۰۱۳ مناطقی از عراق و سوریه را به تسخیر خود درآوردند. آنان در سال ۲۰۱۴ به سمت تکریت و رودخانه فرات در عراق پیشروی کرده و موصل را که از شهرهای بزرگ عراق است تصرف کردند (Blanchard and others, 2015: 2). در ژانویه ۲۰۱۴، شهر فلوجه در استان انبار به‌دست داعش افتاد که به آوارگی داخلی ۵۰۰،۰۰۰ غیرنظامی منجر شد. داعش در سال ۲۰۱۴ در زندان بادوش^۲ و پایگاه اسپایکر^۳ به قتل‌عام پرداخت و شهر آمرلی در استان دیاله را محاصره کرد و در اوت همین سال بخش‌هایی از سنجار، تلعفر و دشت‌های نینوا را تصرف کرد و به نقض جدی حقوق بشر پرداخت که به خروج دسته‌جمعی ایزدیان، مسیحیان و سایر گروه‌های قومی و مذهبی از دشت

1. ISIL
2. Badoush
3. Speicher

نینوا منجر شد. عملیات موصل و سنجار سبب جابه‌جایی بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر شد (HRC, 2015). بحران‌های یادشده در کنار شکست دولت عراق در عرصه تعهدات داخلی و بین‌المللی، زمینه دخالت بازیگران خارجی در امور داخلی را فراهم کرد و عراق آشکارا به حوزه نفوذ و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شد.

دولت شکننده عراق و امنیت زنان

تحت تأثیر قرار گرفتن زندگی زنان از جنگ داخلی و درگیری‌های مداوم در عراق را نمی‌توان جدا از فاجعه رخ داده در این کشور بررسی کرد. با آغاز جنگ سال ۲۰۰۳ در عراق موقعیت و امنیت زنان در جامعه به شکل چشمگیری دگرگون شد (Ahmed, 2010: 157-159). در پی اشغال عراق زنان، عراق از دو سو مورد هجوم قرار گرفتند. از یک سو سیستم قضایی عراق نابود شد و همین امر زنان این کشور را از حمایت‌های قانونی محروم ساخت و از سوی دیگر خشونت‌ها در فضای عمومی گسترده‌تر شد که مسائلی همچون قاچاق انسان، تجاوز جنسی و کشتار و قتل زنان را در پی داشت (Zangana, 2014: 1). در واقع، جامعه عراق بعد از سرنگونی صدام به دلیل درگیر شدن در منازعات داخلی و حضور و دخالت نیروهای خارجی روزبه‌روز شاهد خشونت، بی‌ثباتی و محرومیت از امکانات اولیه زندگی و ناامنی‌های ناشی از بمب‌گذاری و حمله‌های تروریستی بود. در ادامه به پیامدهای شکنندگی دولت براساس شاخص‌های امنیت زنان از سال ۲۰۰۳ تاکنون می‌پردازیم:

الف) بهداشت و سلامت

بهداشت عاملی اساسی در موقعیت کلی زنان به‌شمار می‌رود. مشکلات بهداشتی به کیفیت زندگی و توانایی زنان برای مراقبت از خود و خانواده‌شان به‌طور جدی آسیب می‌زند. می‌توان میزان بهداشت و رفاه زنان را با شاخص‌های گوناگون اندازه گرفت که عبارت‌اند از مرگ‌ومیر ناشی از بیماری قلبی، نرخ مرگ‌ومیر ناشی از سرطان ریه و سرطان سینه یا حوادث دیگر، ابتلا به دیابت، ایدز و مرگ ناشی از خودکشی (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵: ۶۸). این شاخص‌ها در کشوری با دولت شکننده همچون عراق در وضعیت مناسبی قرار ندارند. جامعه عراق در سال‌های پس از اشغال شاهد فروپاشی سیستم بهداشتی و پزشکی، کمبود آب آشامیدنی سالم، فضای رعب و ترس و ناامیدی بود. شمار مرگ‌ومیر مادران عراقی همچنان بسیار زیاد است (Zangana, 2014: 1). آثار و پیامدهای استفاده از سلاح‌های حاوی اورانیوم غنی‌شده در ابتلای بسیاری از کودکان و نوزادان عراقی به انواع سرطان و تولد نوزادان ناقص ملموس است. «با توجه به افزایش حیرت‌انگیز نوزادان ناقص‌الخلقه، عقب‌مانده و معلول در استان الانبار، هیچ مادری نمی‌خواهد

با بچه‌دار شدن پذیرای چنین خطری شود. علت اصلی آن استفاده گسترده آمریکایی‌ها از بمب‌های فسفوری در نوامبر ۲۰۰۴ در طی حمله به فلوجه است» (Zangana, 2014: 26).

ب) وضعیت اقتصادی زنان

عراق با رشد جمعیتی زیاد با چالش جدی ایجاد شغل روبه‌روست. زنان اولین کسانی‌اند که در این شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، شغلشان را از دست می‌دهند. جنگ داخلی از بعد از سال ۲۰۰۳ موجب افزایش بودجه‌های دفاعی شد و از این رو بودجه ضروری ایجاد شغل برای افراد در جامعه کاهش یافت و در نتیجه فرصت زنان برای حفظ شغلشان کمتر شده است. منازعات در عراق به سطح گسترده و فزاینده‌ای از مرگ‌ومیر مردان جوان نسبت به مرگ‌ومیر زنان بزرگسال منجر شده است (World Bank, 2011: 119) یعنی بسیاری از زنان به‌تنهایی فرزندان خود را بزرگ می‌کنند و اغلب در شرایط سخت مالی و خشن قرار دارند (Human Rights Watch, 2013: 549). براساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ در حالی که حدود ۲۷ درصد مردان در عراق بیکارند، آمار بیکاری زنان حدود ۷۶ درصد اعلام شده است و از کل شاغلان بخش خصوصی تنها ۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (World Bank, 2014).

گزارش‌های یونسف درباره آمار تحصیل نشان‌دهنده وجود شکاف‌های تحصیلی در عراق است. در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ نرخ تحصیل مقدماتی برای مردان ۹۲/۷ درصد و برای زنان ۸۷ درصد بود. همچنین نرخ سواد خواندن و نوشتن مردان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال از زنان در همین گروه سنی بیشتر بود (۸۴/۱ درصد در مقایسه با ۸۰/۵ درصد) (UNICEF, Statistics, 2013). جدول ۳ نشان‌دهنده شکاف جنسیتی و نابرابری در فرصت‌های شغلی میان زنان و مردان در عراق است.

جدول ۳. شاخص نابرابری جنسیتی در عراق در سال ۲۰۰۹

مرد	زن	شاخص‌ها
۷۱	۱۵	نرخ مشارکت نیروی کار زنان (درصد از جمعیت زنان بین ۱۵ تا ۶۴ سال)
۸۶	۷۰	نرخ سواد زنان ۱۵ سال به بالا
۷۳	۵۴	نرخ اتمام تحصیلات ابتدایی زنان (درصد از گروه سنی مرتبط)
	۸۴	نسبت ثبت‌نام ابتدایی دختران به پسران
	۷۵	نسبت ثبت‌نام تحصیلات تکمیلی زنان نسبت به مردان
	۱۲	سهیم کردن زنان در استخدام بخش غیراقتصادی (درصد از کل استخدامی‌های غیر کشاورزی)

Source: data.worldbank.org/sites/default/files/wdi-2012-ebook.pdf. (Accessed on: October 12, 2015)

پ) مهاجرت و آوارگی

می‌توان گفت در دولت شکننده عراق، زنان از آسیب‌پذیرترین اقشار در جنگ و پس از آن بوده‌اند. رنج آوارگی برای آنان بسیار فراتر از دست دادن خانه‌هایشان بوده است. آوارگی برای آنان به معنای از دست دادن مکان زندگی و محیط مجاور و همسایگان، نبود خدمات تحصیلی و بهداشتی، نبود روابط امن خانوادگی و ساختن هویت جدید است. نبود هر کدام از این شرایط یا همه آنها در سطح بالایی به افسردگی، هراس و اختلال‌های پس از استرس منجر می‌شود (UNHCR, 2008). اکنون میلیون‌ها زن آواره در عراق در شرایط اسفباری زندگی می‌کنند و بسیاری از مناطق عراق همچون بغداد، اربیل، کربلا، صلاح‌الدین و نینوا شاهد ورود هزاران آواره بوده‌اند. زنان آواره با مشکلاتی همچون نبود حمایت در برابر خشونت و دیگر اشکال سوءاستفاده، سرخوردگی، خصومت و تبعیض، ناتوانی در یافتن کار، دسترسی نداشتن به کالاهای اولیه و ضروری زندگی روزمره، دسترسی نداشتن به مراقبت‌های بهداشتی و دیگر خدمات در کشور خود یا مناطق میزبان روبه‌رو هستند (مرتوس، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

ت) خشونت‌های روانی و فیزیکی

خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی موجب مشکلات فراوان فیزیکی و روانی می‌شود که می‌توان از پیامدهای جسمی آن به بیماری‌های مقاربتی، آسیب‌دیدگی‌ها، بیماری‌های التهابی، بارداری‌های ناخواسته، سقط‌جنین، مسائل مربوط به بیماری‌های زنان، ناتوانی جزئی یا دائم، خودکشی و قتل، و از پیامدهای روانی آن به استرس ناشی از شوک روحی پس از حادثه، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی، ننگ اجتماعی، محرومیت از ازدواج، طلاق، طرد خانوادگی و اجتماعی اشاره کرد (World Bank, 2013: 18). فضای ناامن داخلی عراق بر زندگی زنان به‌عنوان شهروندانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، هم به‌شکل مستقیم (فیزیکی) و هم غیرمستقیم (کشته شدن فرزندان یا مردان که نان‌آور خانه‌اند) تأثیر گذاشته و حق زندگی و امنیت فیزیکی آنان را با تهدید مواجه کرده است. در سال‌های اشغال و بعد از آن زنان و دخترانی که در خیابان‌ها آزار و اذیت می‌شوند، با مشکلاتی همچون نبود پذیرش خانواده، طرد یا منزوی شدن روبه‌رو شده یا بر اثر قتل‌های ناموسی کشته می‌شوند. بعضی از زنان و دختران می‌ترسند خشونت جنسی را گزارش کنند تا مبادا موجب قتل‌های ناموسی و بدنامی اجتماعی آنها شود.

این اقدام‌ها در کنار ناتوانی دولت در برقراری امنیت در جامعه به محدود شدن فعالیت زنان در اجتماع منجر شده است و خانواده‌ها برای حمایت از دختران خود به‌ناچار مانع رفت‌وآمد آنها در جامعه می‌شوند. در بیشتر نقاط عراق زنان احساس ناامنی می‌کنند و فقط در

صورتی از خانه خارج می‌شوند که یک خویشاوند مرد آنها را همراهی کند. بسیاری از آنان از ترس تعدی نمی‌توانند یا جرأت نمی‌کنند در فضاهای عمومی ظاهر شوند که این امر بر شغل و تحصیل آنان تأثیر گذاشته است (UNDP, 2012: 20). براساس گزارش گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌ها، زنان اقلیت اغلب از اینکه لباس‌های مذهبی نمادین خود را در انظار عمومی بپوشند می‌ترسند و از ترس تعدی مذهب خود را پنهان می‌کنند و این مسئله عدم حضور در حوزه عمومی برای زنان را تشدید کرده است (MRG, 2012: 200-201).

یکی از موضوع‌های نگران‌کننده در این دوره، افزایش قتل‌های ناموسی است. قوانین جزایی عراق مجازات سبکی را برای قتل‌های ناموسی یا آزار زنان به‌دلیل مسایل ناموسی در نظر گرفته است، به‌طوری‌که برخی از مردها فقط جریمه نقدی پرداخت می‌کنند. در نظام جدیدی که دولت عراق برای توسعه این کشور اجرا کرده، مشاجره‌های خانوادگی به‌طور فزاینده‌ای نه در دادگاه‌ها بلکه توسط مراجع مذهبی یا طایفه‌ای حل می‌شود. با وجود تصویب قانون ممنوعیت قتل‌های ناموسی، قتل‌های ناموسی در سراسر عراق و اقلیم کردستان عراق رخ می‌دهد (Human Rights Watch, 2010: 4). خودسوزی زنان در عراق یکی دیگر از مسائل نگران‌کننده است. براساس گزارش‌های سازمان ملل «سوختگی این زنان بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد است که توسط خود قربانی صورت گرفته است». فعالان حقوق بشر می‌گویند این سوختگی‌ها ناشی از خودسوزی بوده است، اما زنان وادار به این کار شده‌اند (Lattimer, 2007). در واقع، شرایط جنگی، فشار اقتصادی و روانی بر خانواده و فضای ناامن داخلی تشدیدکننده قتل‌های ناموسی بوده است. همه قتل‌های ناموسی به‌شکل مستقیم رخ نمی‌دهد. در برخی موارد زنان آن‌قدر تحت فشار قرار می‌گیرند که به‌ناچار خودکشی می‌کنند.

ج) زنان بیوه

از دست دادن عزیزان یکی از تجربه‌های مشترک زنان عراقی است. به گزارش یونیسف در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۰ درصد خانوارها در بصره توسط زنان اداره می‌شدند (UNICEF, 2004). به‌دلیل وضعیت فاجعه‌بار عراق، خیلی از زنان به‌اجبار سرپرست خانواده‌شان شده‌اند. آنها زندگی خود را در خارج از خانه به‌خطر می‌اندازند؛ زیرا بیشتر مردان در تیررس نظامیان آمریکایی، شبه‌نظامیان و جوخه‌های مرگ قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر طلاق به‌شکل چشمگیری رشد کرده است. در این میان تنظیم خانواده یکی از علل اصلی کشمکش و درگیری میان همسران شده است (العلی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲). جنگ و ناکارآمدی دولت در این دوره زنان را در معرض فقر و بحران قرار داد. زنانی که سرپرست خانوار یا عهده‌دار مراقبت از دیگران بودند، متحمل رنج زیادی شدند. «از سال ۲۰۰۳ بسیاری از زنان عراق بیوه شدند. بیش

از یک و نیم میلیون زن عراقی بیوه‌اند که از این میان تنها بیست هزار نفر از کمک‌های مالی دولت بهره‌مند می‌شوند. به همین سبب بسیاری از آنان به دست‌فروشی روی آورده‌اند. از سوی دیگر، منابع نظامی آمریکا اعلام کرده‌اند شبه‌نظامیان از این زنان به‌عنوان بمب انسانی در حملات انتحاری استفاده می‌کنند» (McNutt, 2007).

بی‌سرپرست شدن بسیاری از خانواده‌ها بر اثر کشته شدن مردان مشکلات زنان را دوچندان کرده و از طرفی موجب افزایش زنانی شده است که به اقتضای شرایط و به‌ناچار، همسر دوم یا سوم مردان می‌شوند. بر همین اساس، آمار ازدواج موقت در بین زنان فقیر عراقی به شدت گسترش یافته است. آنان برای ادامه زندگی خود چاره‌ای جز ازدواج موقت نمی‌یابند. از سوی دیگر فقر، بیکاری و احتیاج شدید زنان برای حمایت مالی و اجتماعی، سبب رواج چندهمسری شده است. اعتقاد این نهادها این است که در شرایط فعلی راه‌حل عملی برای بهبود وضع بیوه‌زنان ازدواج مجدد یا موقت است (Zangana, 2014: 1). این در حالی است که می‌توان به‌جای تسهیل شرایط چندهمسری، به‌دنبال شغل و افزایش خدمات تأمین برای زنان عراق بود.

د) مشارکت سیاسی و برابری حقوقی

سهم زنان از کرسی‌های مجلس، میزان برخورداری زنان از تحصیلات متوسطه و میزان سهم آنها از بازار کار از جمله شاخص‌هایی است که برای تعیین میزان نابرابری زن و مرد در هر کشور بررسی می‌شوند. گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۴ برای نشان دادن توسعه انسانی براساس جنسیت به تعریف این شاخص با جداسازی جنسیت پرداخته است. در این شاخص عراق رتبه ۱۳۷ را داشت و نسبت توسعه انسانی زنان به مردان ۰/۸۰۲ بود. در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ نسبت تولد پسر به دختر ۱/۰۷ بوده است (UNDP, 2014). بر این اساس عراق از جمله کشورهای ضعیف با شکاف جنسیتی گسترده است و در مباحث بهبود وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی میان زنان و مردان نابرابری وجود دارد. با آنکه زنان عراقی در روند قانونگذاری عراق جدید تأثیر نسبی دارند و در شورای قانونگذاری عراق، سه زن، در دولت انتقالی چهار زن، در دولت ابراهیم جعفری پنج زن و در دولت نوری المالکی چهار وزیر زن حضور داشتند و ۲۵ درصد از کرسی‌های مجلس قانونگذاری عراق به آنان تعلق دارد (داداندیش، ۱۳۸۶: ۱۴۴)، نمی‌توان از مشارکت سیاسی گسترده زنان در عراق صحبت کرد؛ چراکه میان مشارکت سیاسی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی ارتباط دوسویه‌ای وجود دارد؛ زنان عراقی به‌دلیل اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی مدت‌های طولانی از حوزه عمومی کنار گذاشته شده‌اند.

نتیجه

عراق دولت شکننده‌ای دارد و از این رو در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ همواره در انتهای رتبه‌بندی‌های توسعه قرار گرفته است. در این کشور زنان بیشتر توسط عوامل زیادی همچون فقر، نهادهای دولتی ضعیف، نبود خدمات اساسی، ساختار اجتماعی پدرسالار و خشونت‌های جسمی و روانی تهدید می‌شوند که خود در نتیجه شکنندگی دولت پدید آمده‌اند. آنچه تأثیر دولت شکننده را مهم‌تر از سایر عوامل می‌سازد، میزان تأثیرگذاری آن بر ناامنی زنان در این کشور است. با توجه به مصادیق عملی شاخص‌های شکنندگی در عراق در سیزده سال گذشته، می‌توان گفت که این کشور همچنان با بحران امنیتی پایدار روبه‌روست. یافته‌های بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی حاکی از بی‌توجهی به سلامت زنان و آمار زیاد مرگ ناشی از بارداری در عراق است. در همین زمینه، مطالعات انجام‌گرفته درباره امنیت غذایی و آموزش و پرورش، بیانگر وضعیت بسیار نامساعد زنان در مقایسه با مردان است. دسترسی نابرابر زنان به فرصت‌های اقتصادی، نهادهای سیاسی و مالکیت زمین و دارایی‌ها نشانه وجود دولتی شکننده است که به زنان قدرت کافی برای اثرگذاری در اصلاح امور و حفاظت از خود در برابر خشونت را نمی‌دهد. قوانین مربوط به حداقل سن ازدواج، برابری شغلی، سلامت کار و معیارهای ایمنی و قاچاق بین‌المللی زنان در عراق آشکارا نادیده گرفته شده و به اجرا در نیامده است. در همین حال زنان برای شناسایی و حل موارد نقض حقوق خود به آیین‌های دادرسی اندکی دسترسی دارند.

درگیری و جنگ داخلی در عراق محرومیت گسترده زنان عراقی در تمام سطوح از زندگی عمومی و اجتماعی را تشدید کرده است. دوران پس از جنگ برای زنان عراق به معنای پایان درگیری مسلحانه نبوده است. نیازهای امنیتی آنان در شرایط پس از جنگ نیز تأمین نشده و همچنان خشونت نسبت به آنها در دوران بازسازی عراق و در موقعیت پس از جنگ رواج داشته است. شرایط امنیتی در عراق زنان را از ترک خانه‌هایشان باز داشته است؛ آنان به جز خطر حمله‌های انتحاری و انفجار بمب، در معرض تهدیدها و خشونت‌های جنسیتی نیز قرار دارند. گزارش‌های دیدبان حقوق بشر حاوی موارد پرشمار از خشونت جنسی و آدم‌ربایی، و خشونت نسبت به زنان زندانی، آواره و بی‌خانمان در عراق است. دسترسی به آمار این جرایم در عراق به دلیل سکوت قربانیان در افشای آنها به دلیل ترس از انتقام‌جویی دشمن یا بی‌آبرویی خانواده و نداشتن اعتماد به قوه قضاییه و نظایر آن به آسانی ممکن نیست. بسیاری از حقایق و مدارک این خشونت‌ها به دلیل ترس از بازگویی آن پنهان می‌ماند.

از این رو چالش امنیت زنان و دولت‌های شکننده از کمترین اهداف توسعه است. زنان به عنوان افراد آسیب‌پذیر در دولت‌های شکننده، به توجه بیشتر بین‌المللی نیازمندند. بر همین

اساس، ارتقای برابری و امنیت زنان ضرورت دارد. با بررسی رابطه جنسیت و شکنندگی توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. جنسیت و شکنندگی باید در مباحث مربوط به جنسیت و توسعه و نیز در توافق‌های بین‌المللی گنجانده شود؛
۲. شاخص‌های جنسیت و تخصیص بودجه و چارچوب‌هایی در زمینه جنسیت و حکمرانی، جنسیت و صلح‌سازی، جنسیت و منازعه باید بیشتر لحاظ شود؛
۳. از آنجا که تجربه زنان نسبت به مردان در کشورها یا دولت‌های شکننده به دلیل تأثیر متفاوت منازعه بر آنها یکسان نیست باید در بازسازی پس از منازعه، دولت‌سازی و فرایند صلح فرصت‌هایی برای وارد کردن جنسیت در این روندها فراهم شود؛
۴. موفقیت اصلاحات ملی عمیق، به اراده دولت‌های شکننده در به چالش کشیدن سنت‌های مخرب یا آداب فرهنگی تبعیض‌آمیز بستگی دارد. این امر مستلزم رهیافت منسجم و مداوم جهانی توسط همه حکومت‌های ملی، نهادهای چندجانبه و دیگر بازیگران مهم بین‌المللی است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. العلی، نادیا (۱۳۹۱). «زنان عراقی و بلای استبداد، جنگ، تحریم و اشغال»، ترجمه گلاره خوشگذران، نشریه زن نگار، ش ۹، ص ۲۸-۱۶.
۲. الیس، هادی (۱۳۸۶). «خواستۀ کردها برای تشکیل دولت و آیندۀ عراق»، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و معصومه انتظام، در سامان سیاسی در عراق جدید، وزارت امور خارجه.
۳. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰). «برآورد استراتژیک عراق آیندۀ»، در چشم‌انداز عراق آیندۀ؛ بررسی روندهای داخلی و خارجی، به اهتمام غلامرضا خسروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی،
۴. جعفری‌نیا، عباس (۱۳۸۸). عراق، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۵. خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰). «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، در چشم‌انداز عراق آیندۀ؛ بررسی روندهای داخلی و خارجی، به اهتمام غلامرضا خسروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۱۰۵-۷۱.
۶. داداندیش، پروین (۱۳۸۶). نقش زنان در روند تحولات عراق، در تحولات عراق و چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات عراق و چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، تهیه و تنظیم محمود شوری و افسانه احدی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
۷. داویشا، عدید (۱۳۸۶). عراق: موانع، پیشرفت‌ها و چشم‌اندازها، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی، در سامان سیاسی در عراق جدید، وزارت امور خارجه، ص ۳۰۶-۲۷۷.
۸. زنگنه، حیف (۱۳۹۴). شهر زنان بیوه، ترجمه لیلی فرهادپور، تهران: نشر ثالث.
۹. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۴). «تبیین مبانی سیاست خارجی عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوم، ش ۲، ص ۳۹۳-۳۸۳.
۱۰. کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۵). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. مرتوس، جولی (۱۳۸۳). زن، جنگ، بحران، ترجمه نجله خندق، تهران: نشر قصه.
۱۲. یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰). دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) کردی

۱۳. سه‌لیم، سه‌وسه‌ن (اکتبر ۲۰۰۹). حکومتی‌ها ری‌ام و ره‌وشی ژنانی کوردستان، سه‌رنجیکی خیرا له‌راپورتی‌ها ری‌ام بو به‌دوادچوونی‌تون‌دونیژی له‌دژی ژنان، ناویزه، ژماره ۱۶، وه‌ر‌گیرو له:
- (www.kmewo.com, Accessed on Aug 12, 2015)
۱۴. عه‌بدولا، فه‌وزیه (۲۰۱۵). هوکاره‌کانی‌دی‌بارده‌ی‌خوسوتان‌دن‌لای‌نافره‌تان، کومه‌لگای‌کوردی‌به‌نمونه، شیکار، ژماره ۸، ص ۲۳۶-۲۴۶.

ج) انگلیسی

15. Ahram, Ariel (2015), "War-Making, State-Making, and Non-State Power in Iraq", Yale Program on Governance and Local Development Working Paper, No. 1.
16. Blanchard, C. M. (2008), "Iraq: Regional Perspectives and US Policy", Congressional Research Service, Washington DC.
17. Brauch, Hans Gunter (2005), Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks in Environmental and Human Security, Germany: United Nations University Press.
18. Cordesman, A.H. & Khazai, S. (2014), "Iraq in Crisis", A Report of the CSIS Burke Chair in Strategy, Center for Strategic and International Studies.
19. Cordesman, Anthony H. (2015), Iraqi Stability and the "ISIS War", Center for Strategic and International Studies (CSIS), August 12.
20. Fattah, Hala, with Caso, Frank, (2009), A Brief History of Iraq, Facts on File, Inc.
21. Fragil States Index (2015), Found for Peac (FFP), at: Foundforpeac.org/ library/ fragilstatesindex-2015.pdf.(Accessed on 7 December 2015).
22. Fragile States (2013), Resource Flows and Trend in a Shifting World, DAC International Network on Conflict and Fragility, at: www.oecd.org/dac/conflictandfragility/ docs/ Fragile States 2013. pdf.(Accessed on 10 December 2015).
23. Human Development Report (2013), "United Nations Development Program.At: (http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/14/hdr2013_en_complete.pdf,143 -155. (Accessed on 12 November 2015).
24. Human Rights Watch (2013) World Report 2013: Events of 2012, Human Rights Watch, New York.
25. Hunt, C. (2005), The History of Iraq, Greenwood Publishing Group.
26. Iraqi Body Count (2014), Total Violent Deaths Including Combatants 2003–2013, Available at: https://www.iraqbodycount.org/analysis/reference/ announcements/ 5/. (Accessed on 10 September 2015).
27. Iraqi Body Count (8 May 2014), "Documented Civilian Deaths from Violence Database," at http://www.iraqbodycount.org/database/.(Accessed on 7 December 2015).
28. Blanchard, C. M., Humud, C. E., Katzman, K., & Weed, M. C. (2015, June), The Islamic State Crisis and US Policy, Library of Congress Washington DC Congressional Research Service.
29. Kreutz, J. (2005), The Nexus of Democracy, Conflict and the Targeting of Civilians, 1989-2005, States in Armed Conflict, 173-91.
30. Lattimer, M. (2007). Freedom Lost, The Guardian, December, 13.
31. McKay, S. (2004), Women, Human Security, and Peace-Building: A Feminist Analysis, Institute for Peace Science, Hiroshima University-IPSHU. English Research Report "Conflict and Human Security. A Search for New Approaches of Peace Building, 19.
32. McNutt, Debra (2007), "Military Prostitution and the Iraq Occupation". at: http://www.counterpunch.org/mcnutt07112007. Html. (Accessed on 11 July 2015).
33. Minority Rights Group International (MRG) (2012), State of the World's Minorities and Indigenous Peoples, MRG, London.
34. Nuruzzaman, M. (2008). 'Failed and Fragile States' in International Relations: Revisiting Issues and Rethinking Options. ACSP-CPSA, Vancouver.

35. OECD (2015), "The Changing Face of Fragility and its Implications Post-2015", in: States of Fragility: Meeting Post-2015 Ambitions, OECD Publishing, Paris. DOI: <http://dx.doi.org/10.1787/9789264227699-6-en>. (Accessed on 7 December 2015).
36. The World Bank (2015), Worldwide Governance Indicators, "Country Data Reports, At: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index.aspx#country> Reports.(Accessed on 7 December 2015).
37. Transparency International (2013), "Corruption by Country: Iraq. <http://www.transparency.org/country/#IRQ> (Accessed on 21 Jun 2015).
38. UNDP (2014), "Womens Economic Empowerment: Integrating Women into the Iraqi Economy", UNDP Iraq, Baghdad.
39. UNICEF Country Statistics (2013), at: http://www.unicef.org/infobycountry/Iraq_statistics.html, (Accessed on 14 April 2014).
40. US Census Bureau (2014), Accessed February 17. Available at: (<http://www.census.gov/population/international/data/idb/region.php?N=%20Results%20&T=13&A=separate&RT=0&Y=1950,1980,2000,2013,2025,2050&R=-1&C=IR>)
41. Zangana, Haifa (2014), "Us War Crimes: The Continuing Deterioration of Women's Rights in Iraq", Global Research, February 02, at: globalresearch.ca.(Accessed on 17 Seeptember 2015).

